



تکرار کامبک معکوس بسکتبال با شاهین طبع

# کابوس زیرسبد قسمت ۸م!



سعید آقایی

Saeed Aghaee



راچندان جدی نمی‌داند؛ به نظر من به جز حامد حدادی همه بازیکنان در تیم ملی مادر یک سطح هستند و تفاوتی با هم ندارند. من معتقدم بازی بچه‌ها تفاوت چندانی با یکدیگر ندارد و اگر حامد حدادی در کنار ما بود، می‌توانست به تیم کمک کند. ولی ما هم نمی‌توانیم حامد را مستهلک کنیم. یک عمر است که داریم از او استفاده می‌کنیم. من فکر می‌کنم حتی اگر تیم جوان هم به این مسابقات می‌بردیم، بد نبود!

رامین طباطبایی رئیس فدراسیون بسکتبال اما برخلاف نظر سرمربی تیم ملی اعتقاد دارد که عملکرد ملی پوشان در حد انتظارات نبوده. طباطبایی درباره شکست ناباورانه برابر سوریه می‌گوید: ملی پوشان بسکتبال از شرایط و آمادگی آرمانی دور بودند. آمار و اطلاعات دیدار با سوریه گویای عملکرد ملی پوشان و چگونگی کارآیی هر یک از آنها است و ثابت می‌کند شرایط ایده آلی نداشتند. البته که بدشانسی هم مزید بر علت بود. از سوی دیگر ترکیب سوریه نسبت به پنجره اول تقویت شده بود، این تیم انگیزه بالایی برای شکست ایران داشت. جذب یک بازیکن و مربی آمریکایی همراه با اردوی یکماهه در قزاقستان دست به دست هم داده بود تا سوریه با انگیزه و آمادگی بالاتری نسبت به همیشه در مسابقات شرکت کند. مجموعه این عوامل باعث شکست تیم ملی بسکتبال ایران در دیدار برابر سوریه شد.

رئیس فدراسیون بسکتبال تأکید می‌کند که بازیکنان تیم ملی برای پنجره بعدی کاپ آسیا باید کاملاً متفاوت از این بازی‌ها ظاهر شوند؛ حتی دو لژیونر تیم؛ ملی پوشان باید به خودشان بیایند. تأثیر دوری ۱۰-۹ ماهه بازیکنان از شرایط مسابقه کاملاً در پنجره دوم مسابقات انتخابی کاپ آسیا مشهود بود. آنها از نظر بدنی و روحی و روانی نسبت به سال گذشته افت محسوسی داشتند. معضلی که باید برای پنجره سوم انتخابی کاپ آسیا برطرف شود. همچنین مایک رستم‌پورو آرون گرامی پور بازیکنان دوره که تیم ملی بدون قرارداد و تمرینات باشگاهی به ترکیب تیم ملی ملحق شدند و به این بازیکنان هم تذکر دادیم که آنها را در شرایط مسابقه می‌خواهیم.

هم با همان فرمول همیشگی سال‌های اخیر شکست خوردیم و باز هم برای چندمین بار شاهد بودیم وقتی تیم عقب افتاد، کادر فنی تنها تماشاگر بود و نتوانست تیم را نجات دهد. از سوی دیگر مجموعه فدراسیون بسکتبال به اندازه‌ای بی‌خیال بود و خیال خام برد آسان را در سر می‌پروراند که لازم ندید یک اردوی جدی و کوتاه برای این تیم در نظر گرفته و بازی تدارکاتی را ترتیب دهد. شاگردان شاهین طبع تنها با پشت‌سر گذاشتن دو بازی در فصل جدید لیگ برتر و یک اردوی ۱۰ روزه و بدون برگزاری بازی دوستانه وارد این رقابت‌ها شدند؛ آنچه نشان از انفعال آمیخته به ساده‌انگاری فدراسیون بود که ظاهراً تصور می‌کرد این تیم با هر شرایطی در برابر عربستان و سوریه به راحتی پیروز می‌شود. این خوش خیالی تا آنجا پیش رفت که حتی رئیس فدراسیون و مدیر تیم‌های ملی گشت و گذار در دوحه را به حضور در کنار تیم ملی ترجیح دادند تا تیم ملی بدون سرپرست خود مقابل سوریه صف آرایی کند!

## توجیهات باور نکردنی

در پس این شکست اما توجیهات سرمربی تیم ملی و رئیس فدراسیون از همه جالبتر است. مهران شاهین طبع سرمربی تیم ملی اعتقاد دارد اگرچه تیمش در دوحه ناکام بوده اما بد بازی نکرده! او می‌گوید: به نظر من ما با توجه به شرایطی که داشتیم، بازی‌های بدی را انجام ندادیم! سوریه و عربستان در مقایسه با گذشته کاملاً فرق کرده و تیم‌های متفاوتی شده بودند. عربستان در وقت اضافه قطر را هم برد. سوریه هم که یک بازیکن آمریکایی را آورده. بنابراین این تفاوت‌ها باعث شد تا یک جاهایی کنترل بازی از دستمان خارج شود. شاید توقع این بود که ما با همان اختلاف امتیازی که در خانه این تیم‌ها را شکست دادیم، در خارج هم آنها را با همین نتیجه ببریم اما شرایط بازی بیرون از خانه جور دیگری است. به هر حال ما کاری را که از دستمان برمی‌آمد، انجام دادیم. شما بروید جدول مسابقات تیم‌های دیگر را ببینید. صربستان به سوئیس باخته، لیتوانی و استرالیا هم باختند. می‌خواهم بگویم شرایط تیم‌ها واقعاً تغییر کرده است.

سرمربی تیم ملی تأثیر غیبت ستاره‌هایش در این ناکامی

سخت رسیدند اما در دیدار دوم کاخ پوشالی آرزوها فرو ریخت و برابر سوریه همیشه بازنده و جنگ زده متحمل شکست غیرمنتظره ۷۷ بر ۷۰ شدند.

## زهی خیال باطل!

تیم ملی بسکتبال در دوحه یک تیم آسان گیر بود که به راحتی غافلگیر شد. تیمی که سه تن از ستاره‌های بزرگ خود را با خیال خام جا گذاشت و بدون سه مهره کلیدی به دوحه پرواز کرد. حامد حدادی ابرستاره بسکتبال آسیا به دلیل سختگیری چشم‌بادامی هادر چین ماند، صمد نیکخواه بواسطه کرونا در تهران ماندگار شد و ارسلان کاظمی در ادامه لجبازی‌های رئیس و سرمربی تیم از همراهی ملی پوشان باز ماند تا با مشتی بازیکن جوان و البته ناآماده در دوحه زمینگیر شویم. تیمی که بواسطه بحران کرونا ستاره‌هایش مدت‌ها در قرنطینه و دور از توپ و سبد تنها استراحت کرده بودند و دو لژیونر اسم و رسم دارش حتی بدون یک دقیقه بازی و یا تمرین مفید به تیم ملی ملحق شدند.

این کلونی ناآماده در همان بازی نخست حیثیتی برابر عربستان به در در سرافتاد و با جان‌کندن حریف را شکست داد. بردی میلیمتری که تنها به واسطه درخشش دو ستاره اصلی یعنی جمشیدی و یخچالی به دست آمد اما درخشش این دو برای بردن سوریه آماده و با انگیزه کافی نبود. تیمی که با جو سالرنو مربی آمریکایی خود و جرج‌تری ستاره دورگه‌اش، با یک اردوی چند هفته‌ای در روسیه به این رقابت‌ها پا گذاشت و مشخص بود که تیم ناآماده ایران در غیاب سردارانش کار دشواری را برابر حریف همیشه بازنده در پیش خواهد داشت.

تیم ایران در این رقابت‌ها با خوش خیالی خود را از پیش برنده می‌دانست و هیچ طرح و برنامه خاصی نداشت؛ نگاه باطلی که در تمامی اجزای مجموعه بسکتبال از فدراسیون گرفته تا سرمربی تیم ملی جاری و ساری بود. به گونه‌ای که کادر فنی به اندازه‌ای از پیروزی و موفقیت در پنجره دوم انتخابی کاپ آسیا مطمئن بودند که علاوه بر جا گذاشتن سه ستاره اصلی خود، حتی زحمت طراحی یک پلن و برنامه برای شکست حریفان را نداده بودند! کنایه آمیز اینکه در برابر سوریه

مثل یک کابوس بود. کابوسی که در طول این سال‌ها بارها و بارها تکرار شده و دیگر به آن عادت کرده ایم. تیمی که با وجود یکی دوجین ستاره بزرگ، نامدار و اسم و رسم‌دار به سندروم مزمنی دچار شده که ظاهراً نقطه پایانی ندارد. تیمی که عادت کرده در بزنک‌های بزرگ و تورنمنت‌های کلیدی درست در حساس‌ترین بازی ناگهان سپر ببندازد و مقابل حریف زانو بزند. تیمی که با ستاره‌هایش همیشه استارت توفانی دارد، از رقیبان پیشی می‌گیرد اما ناگهان مسخ می‌شود و بهت زده از رقیب عقب می‌افتد و بازی را در عین ناباوری واگذار می‌کند. فرقی نمی‌کند کجا بازی کنیم؛ بازی‌های آسیایی، قهرمانی آسیا، جام جهانی یا انتخابی المپیک و جهانی. این حکایت کلیشه‌ای تیمی شده که عادت کرده ایم در بزنک‌ها ناکامی‌اش را ببینیم. شکست‌هایی که جملگی با یک فرمول و با یک سناریو نوشته می‌شوند. تیمی که بازی برده را می‌بازد.

در تمام این سال‌ها و این شکست‌های تلخ و غیرمنتظره، همیشه الگوریتم ناکامی همین بوده، جلو می‌افتیم و در شرایطی که به نظر پیروزی در مش‌ت ماست، ناگهان قافیه را واگذار می‌کنیم و شکست را در آغوش می‌کشیم. یک کامبک معکوس که از مسابقه‌ای به مسابقه دیگر و از تورنمنتی به تورنمنت دیگر تکرار می‌شود.

این باز در پنجره دوم انتخابی کاپ آسیا این کابوس تکرار شد. در پنجره‌ای که عربستان و سوریه دو حریف ما بودند و با توجه به سطح متفاوت دو رقیب با بسکتبال ایران و البته کیفیت ستاره‌ها به نظر می‌رسید ایران کار آسانی را پیش رو داشته باشد اما در دوحه همه پیش‌بینی‌ها نقش بر آب شد و دوباره کابوس شکست به صورت ما چنگ زد؛ با همان فرمول همیشگی. یک کامبک معکوس. قصه همیشه تکرار. سندرومی که در جان ما افتاده و به نظر قابل علاج نیست. یک بیماری مزمن. یک شکست دردناک و یک ناکامی غیرمنتظره. برابر حریفی که آخرین بار با اختلاف وحشتناک ۵۰ گل آنها را شکست داده بودیم. رقیبی از دل جنگ، آتش و خون. تیمی که از ویرانه‌های دمشق ققنوس وار برخاست و ما را مبهوت کرد. آسمان خراش‌ها در نخستین دیدار خود در دوحه برابر عربستان به میدان رفتند که با نتیجه ۷۱ بر ۶۴ به یک پیروزی